

می باشد.

اغلب کتابخانه‌های بزرگ در جهان طبق مقررات دولتی ساخته نشده‌اند، بلکه کتابهای این کتابخانه‌ها از محل اهداء کتاب تأمین میگردد ...

... هم اکنون کتابخانه واتیکان دارای نسخ خطی، نامه‌های شعراء و شخصیت‌های مشهور و کتابهای کفر آمیز و تصاویر که بابت نادر بودن بسیار مورد توجه است میباشد و کتابخانه واتیکان بداشتن آنها مباهات میکند...

چنین است راه عملی تشکیل يك کتابخانه مهم و ارجمند که در سایه همت و کوشش دست جمعی کاتولیکها بوجود آمده است.

در ایران نیز وضع کتابخانه‌ها بهمین ترتیب بوده و اغلب از راه کمک افراد تأسیس یا تکمیل شده‌اند که ما نمونه‌های اخیر آنرا برای شما نقل میکنیم:

یکی از اثر و تمندان تهران به موجب وصیتنامه رسمی؛ دارائی خود را که بمیزان تقریبی ده میلیون ریال (یکه میلیون تومان) میباشد، وقف کتابخانه یکی از دانشکاهان نمود ... و مبلغ ۷/۵۰۰/۰۰۰ ریال (۷۵۰ هزار تومان) هم برای خرید کتابهای مورد نیاز آن دانشکاه، توسط مؤسسه انتشارات فرانکلین تمهید شده است و آقای دکتر مجتهدی هم کتابخانه شخصی خود را که دارای چندین هزار جلد کتاب سودمند و گرانبها میباشد، در دست در اختیار دانشکاه گذاشتند (۱).

* * *

خواننده عزیز! ملاحظه میفرمائید که چگونگی میتوان يك کتابخانه جامع و کاملی را بوجود آورد؟ ... راه تأسیس و تکمیل يك کتابخانه عمومی آنست که مردم مسلمان ایران، همانند دیگر مردم جهان، دست بدست هم دهند و در راه ایجاد يك کتابخانه عمومی بی نظیر و یگانهدر حوزه علمیه هم مارا یاری کنند و بهر نحوی که مقدورشان باشد در این امر مهم و پرجای پیشقدم باشند و مثلاً از دوستان خود یا مردم نیکوکار دعوت کنند که با اهداء کتابهای سودمند و خوب، کتابخانه عمومی مکتب اسلام را آماده بهره برداری بنمایند.

مادر امور مربوط به کتابخانه عمومی مجهز و کامل در حوزه علمیه قم که مورد نیاز همه محصلین و فضلا و مردم مسلمان است، نواقصی داریم که امیدواریم از راه تعاون و همکاری دوستان و آشنایان و افراد خیراندیش همه آن نواقص را برطرف سازیم. تمام نخستین در راه رفع این نواقص؛ اهداء کتاب است.

(۱): نقل و تلخیص از مجله خواندنیها شماره ۳۶ سال ۲۶ مورخ ۲۴ رمضان

۰۸ ۱۳۸۵

ترجمه و اقتباس

از کتاب: لماذا اخترت مذهب اهل البيت؟

(چرا مذهب شیعه را انتخاب کردم)

مدارك معتبر ما

* آیه ولایت در شأن علی (ع) است

* دواشکال در این آیه و پاسخ آن

* * *

شیعیان عقاید صحیح دینی و احکام قهقی و فضائل اخلاقی خود را که خود بهترین معرف حقایق نبوت شیعه در جهان می باشد، از ظواهر و تفسیر محکم قرآن مجید کتاب آسمانی و اخبار صحیح از پیامبر گرامی اسلام و چنانچه نشان می دهد که همگی از استان پاک وحی و الهام؛ شیرخالص علم بحقایق موجودات و علوم هر بوط بمسکناات را نوشیده‌اند، کسب می کنند و طبق آنها نظر میدهند و مطابق آنها عمل می کنند.

از این رو فقهاء و مفسرین و محدثین در بیان آراء و نظرات خود بنصوص و ظواهر قرآن تکیه کرده و از آّب زلال احادیث صحیح رهبران دینی و افعال و تقریر آنان بقدر وسع و استعداد خود سیراب میشوند و خود را بارور می سازند و کسانی که استعداد آنها تنبیط احکام شرعی را از مدارک اصلی خود ندارند از آنان تقلید و پیروی کرده اعمال خود را با آراء صاحب نظران و متخصصین در علوم اسلامی شیعه منطبق می کنند و از میوه های شیرین آنان بهره کافی برمی دارند.

آیه ولایت در شأن علی (ع):

شیعیان در اثبات حقایق خود يك سلسله از دلائل محکم از قرآن مجید و احادیث نبوی از عامه و خاصه اقامه می کنند که ما بعضی از آنها را برای اطلاع خوانندگان گرامی ذکر می کنیم اما از قرآن مجید آیات زیادی در فضائل و مناقب علی علیه السلام وارد است از جمله آنها آیه: «انما ولیکم الله ورسوله ووالذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکوة و هم را کعون (۱) تمام مفسرین و محدثین از شیعه و علماء کثیری بلکه جمیع مفسرین از

(۱) سوره مائده آیه ۵۵ یعنی: ولی شما خدا ورسول او و کسانی هستند که ایمان بخدا

یکانه آورده‌اند، آن چنان کسانی که اقامه نماز کرده و اعطاء زکوة بستمحرمی کنند و در مقابل خدای خود رکوع کرده بعبود خود تعظیم می نمایند.

عامه اتفاق نظر دارند در اینکه این آیه در مناقب و فضائل و ولایت علی (ع) بر جمیع مسلمانها توسط جبرئیل بر پیامبر اسلام نازل شده است .

ومفسرین در شأن نزول این آیه چنین مینویسند که روزی علی (ع) در مسجد مشغول اقامه نماز مستحبی بودند ، ناگهان سائلی وارد مسجد شد و از کسانیکه مشغول نماز بودند تقاضای کمک کرد ، علی علیه السلام که در حال رکوع بودند بادت مبارک خود اشاره بانگشتر خویش کرد و سائل جلو آمده انگشتر را اذ دست علی (ع) بیرون آورد و ثنا گویشان از مسجد بیرون رفت در این هنگام پیکه وحی به پیغمبر که در این وقت در منزل بودند نازل شد و آیه مذکور در فضیلت و ولایت علی (ع) بر نبی اکرم تلاوت کرد .

اینک بعضی از کلمات مفسرین و علماء اهل سنت در شأن نزول این آیه مبارکه بشنوید :
سمویطی در «درمفثور» (۱) از خطب از ابن عباس چنین روایت میکند: «علی علیه السلام انگشتر خود را در حال رکوع بمائل عطا کرد ، در این هنگام پیغمبر وارد مسجد شده از نماز گزاران سؤال کرد چه کسی انگشتر خود را بقیر داده است که آیه : «انما ولیکم الله ورسوله ... آ آیه در باره وی نازل شد ؟ جواب دادند: علی (ع) ، و همچنین طبرانی در اوسط و ابن مردویه از عمار بن یاسر و عبدالرزاق و عبد بن حمید و ابن جریر و ابوالشیخ از ابن مردویه و ابن ابی حاتم و ابن عساکر از سلمه بن کهیل و ابن جریر از «سدى» و عتبه بن حکیم و کنجی شافعی در کتاب خود «کتاب الطالب» از انس بن مالک و امام **فخر رازی** در تفسیر خود (۲) از عطاء ابن عباس و شبلنجی در «نور الابصار» از ابوذر **و واحدی** در «اسباب النزول» و زمخشری در تفسیر خود «کشاف» و ابن حجر عسقلانی در کتاب «الکافی الشافی فی تخریج احادیث الکشاف» (۳) و ابوبکر احمد بن علی **الرازی حنفی** در کتاب «احکام القرآن» و رشیدرضا المظفری در تفسیر خود «المنار» (۴) و **شهاب الدین آلوسی** در کتاب «روح المعانی» و **محمد الدین طبری** در کتاب «ذخائر العقبی» و ابن جوزی در کتاب «تذکره» (۵) و سایر مفسرین اهل سنت همه و همه تصریح کرده اند که این آیه در باره علی (ع) نازل شده است .
مؤلف کتاب **ضایة المرآة** نیز در ذیل این آیه **صفحه (۱۰۳)** مینویسد که **۲۴** حدیث

(۱) ج ۲ ص ۲۹۳

(۲) ج ۳ ص ۴۱۷

(۳) ص ۵۶

(۴) ج ۶ ص ۴۴۲

(۵) ص ۱۸

از طریق اهل سنت و **۱۷** حدیث از طریق شیعه وارد شده است که این آیه در باره علی (ع) نازل گردیده است .

علامه **مجاهد آقای امینی** نیز در جلد سوم از کتاب معروف خود «**الغدیر**» **صفحه ۱۵۶** **اسامی ۶۶** نفر از علماء بزرگان اهل سنت را نام میبرد که همگی تصریح کرده اند که این آیه در شأن امیر المؤمنین (ع) نازل شده است .

با وجود این اعترافات صریح بزرگان علماء اهل سنت و اتفاق مفسرین شیعه در شأن نزول این آیه ، جای هیچ شبهه ای باقی نماند که تنها انعام و پیشوای مسلمین بعد از رسول خدا علی (ع) میباشد زیرا خدای تعالی در این آیه ولایت علی علیه السلام را با ولایت خود و رسولش بر جمیع مسلمین قرین هم ذکر کرده و ولایتش را بر مسلمین بمنزله ولایت خود و رسولش قرار داده است و از طرف دیگر آیه شریفه را با کلمه «انما» که در زبان عربی دلالت بر انحصار میکند شروع کرده است و با توجه باین دو مطلب بخوبی ثابت میشود که حق تقدم در امامت و اجزای مقام ولایت منحصر بخدا و رسول (ص) و علی علیه السلام و امامان بعد از وی می باشد زیرا معنای ولایت در لغت و شرع «اولی بصریف بودن» است و تنها کسانی اولی بصریف هستند که امام و خلیفه مسلمین باشند .

دو اشکال در این آیه

در ابتدای نظر ممکن است دو شبهه نظر خواننده گان عزیز را بخود جلب کند :

۱ - با وجود اینکه جمله «والذین آمنوا» در این آیه جمع آورده شده است ، چگونه ممکن است مراد از آن تنها علی (ع) بوده باشد !
از این شبهه بچند طریق پاسخ گفته اند : ۱ - استعمال لفظ جمع و ازاده فرد واحد با توجه بشباه و نظائر آن در کلمات عرب اشکالی ندارد گو اینکه باتفاق جمیع مفسرین و محدثین مراد از کلمه «الناس» در این آیه مبارکه : «الذین قال لهم الناس ان الناس قد جدموکم فآخوهم» همانا نعیم بن مسعود اشجعی میباشد .

۲ - خداوند در آیه مذکور جمله «والذین آمنوا» را بصفتی توصیف کرده است که جمیع مؤمنین را شامل نمیشود و ذکر این صفات «الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکوة و هم را کمون» قرینه بارزی است باینکه مراد از آن بعضی از مؤمنین میباشد که روایات و ازاده آن را معین میکنند .

۳ - اکثر اوقات اهل لغت در مقام تعظیم ، از شخص واحد بلفظ جمع تمیز می آورند چنان که مرحوم طبرسی در کتاب خود مجمع البیان در ذیل این آیه شریفه می نویسد که : استعمال لفظ جمع در مورد علی (ع) بجهت تعظیم و تکریم وی میباشد .

زهد خشری نیز در تفسیر خود «کشاف» بعد از تفسیر باینکه مراد از : «الذین آمنوا» در این آیه علی علیه السلام میباشد ، اشاره باین شبهه کرده در رفع آن چنین میگوید : علت اینکه جمله : «الذین آمنوا» بصورت جمع ذکر شده این است که مؤمنین را ترغیب بانجام دادن این گونه از اعمال نیک کرده تذکر دهد که لازمست همه مسلمانها دارای چنین صفات شایسته ای بوده و علاقه فوق العاده ای بنیکی و احسان داشته و دائماً از حال قراء و مستمندان تفقد نمایند .

ایراد دوم در این آیه این است که علی (ع) با وجود اینکه قلب شریفش در نماز متوجه خالق خود بوده چگونه کلام سائل را شنید و توجه بآن پیدا کرد . آیا توجه بسائل و شنیدن کلام او با خضوع و خشوع کامل وی در مقابل خدای تعالی منافات ندارد ؟

از این شبهه نیز جواب داده اند باینکه توجه بسائل و اعطاء انگشتر با و در راه خدا هیچگونه منافاتی با خضوع کامل وی در مقابل آفریننده موجودات ندارد زیرا خود این توجه نیز در ضمن عبادت خدا و خضوع در مقابلش عبادتی تعظیم بشمار میرود (۱) .

(۱) ممکن است بعضی از ماسؤال کنند : چگونه ممکن است در یک موقع ، بشری از وضع جسمی و بدنی خود یکلی بیخبر شود که پیکان تیر از پای او بیرون کشند و او درد و ناراحتی بدن خود را در حال نماز و توجه بخلق جهان آفرینش حس نکند و در موقع دیگری متوجه شخص سائل شده و انگشتری بوی عطا کند ، اینگونه صفات متضاد چگونه ممکن است از یک شخص در یک حالت خاص روحی پیدا شود ؟

پاسخ این سؤال روشن است ، زیرا علی علیه السلام هنگام نماز ، خود و آنچه مربوط بخودش بود در برابر خداوند بزرگ فراموش میکرد و متوجه ذات او میشد ولی قلب بیدار وی در برابر ناله محرومان و مستمندان در آن حال هم حساسیت داشت و ناله آنان قلب حساس او را بخود جلب میکرد ، چون کمک بآنها هم یکی از عبادات بزرگ و در راه خدا و برای خدا بود و جنبه شخصی نداشت . . . شاید منظور نویسنده محترم کتاب «لماذا اخترت مذهب الشیعة» از جمله بالاینهمین باشد .

عیب جوئی

شَرَّ النَّاسِ مَنْ كَانَ مُتَّبِعًا لِعُيُوبِ النَّاسِ

عَمِيًّا عَنْ مَعَايِبِهِ .

بدترین مردم کسی است که عیوب دیگران را دنبال کند و نا بینای عیوب خویش باشد .

دعای علیه السلام

بی خبری از خویشتن

گروه عیبجویان

بررسی تعالیم مذهبی

یکی از نواقص بزرگ و جبران ناپذیر اخلاقی انسان ، بی خبری از عیوب خویشتن است ، غالب گمراهیها و تباهیها ناشی از جهل و ناآگاهی است ، چه بسا صفات و ملکات ناپسندی که در اثر غفلت در خانه دل مسکن میگزینند و اساس بدبختی آدمی را پرریزی میکنند ، هنگامی که انسان بنده جهل خویشتن می شود روح فضیلت در وجودش میبرد ، اسیر شهوات و امیال گوناگون گردیده ، و از حریم سعادت جاویدان محروم و بی بهره میماند ، در اینصورت هر گونه تلاش و راهنمایی اخلاقی منتهی بشکست خواهد گردید .

نخستین شرط اصلاح نفس درک عیوب نفسانی میباشد ، زیرا پس از اطلاع و آگاهی میتوان زنجیرهای رذائل و ناپاکیها را گسست و از خطرات عیوب نامطلوبی که به بدبختی و شقاوت میانجامد نجات یافت ؛ بررسی خصائص نفسانی برای پرورش روح حائز کمال اهمیت است و جز از این راه انسان بکمال رشد معنوی و اخلاقی نخواهد رسید ، همین مطالعه نفس بوی امکان میدهد که نواقص و همچنین نقاط برجسته روحی خویش را دریابد ، و از میان آنبوه صفات گوناگون